



شیخ محمود شبستری «گلشن راز»

بخش ۲۸ - تمثیل در بیان نسبت عقل با شهود

۱	ندارد باورت آکمه ز الوان	وگر صد سال گویی نقل و برهان
۲	سپید و زرد و سرخ و سبز و کاهی	به نزد وی نباشد جز سیاهی
۳	نگر تا کورِ مادرزادِ بدحال	کجا بینا شود از گُحلِ گَحَال
۴	خرد از دیدنِ احوالِ عُقبا	بود چون کورِ مادرزادِ دنیا
۵	ورای عقل، طوری دارد انسان	که بشناسد بدان اسرارِ پنهان
۶	بسانِ آتش اندر سنگ و آهن	نهاده است ایزد اندر جان و در تن
۷	چو بر هم اوفتاد این سنگ و آهن	ز نورش هر دو عالم گشت روشن
۸	از آن مجموع پیدا گردد این راز	چو دانستی برو خود را برانداز
۹	تویی تو نسخهٔ نقشِ الهی	بجو از خویش هر چیزی که خواهی

بخش ۲۹ - سوال از معنی «اناالحق»

۱	کدامین نقطه را نطق است «اناالحق»	چه گویی هرزه‌ای بود آن مُرَبِّق؟
---	----------------------------------	----------------------------------

بخش ۳۰ - جواب

۱	«اناالحق» کشف اسرار است مطلق	جز از حق کیست تا گوید «اناالحق»
۲	همه ذرات عالم همچو منصور	تو خواهی مست گیر و خواه مخمور
۳	در این تسبیح و تهلیلند دائم	بدین معنی همی باشند قائم
۴	اگر خواهی که گردد بر تو آسان	«وَإِن مِّن شَيْءٍ» را یک ره فرو خوان
۵	چو کردی خویشتن را پنبه کاری	تو هم حلاج وار این دم برآری
۶	برآور پنبهٔ پندارت از گوش	ندای «واحد القهار» بنیوش
۷	ندا می آید از حق بر دوامت	چرا گشتی تو موقوف قیامت
۸	درآ در وادی ایمن که ناگاه	درختی گویدت «إِنِّي أَنَا اللَّهُ»
۹	روا باشد «اناالحق» از درختی	چرا نبود روا از نیک بختی؟
۱۰	هر آن کس را که اندر دل شکی نیست	یقین داند که هستی جز یکی نیست
۱۱	انانیت بود حق را سزاوار	که هو غیب است و غایب وهم و پندار
۱۲	جنابِ حضرتِ حق را دویی نیست	در آن حضرت من و ما و تویی نیست

۱- وسایت گنجور:

[شیخ محمود شبستری «گلشن راز» بخشهای ۲۸، ۲۹ و ۳۰](#)

۲- کتاب گلشن راز، اثر: شیخ محمود شبستری با مقدمه و تصحیح و توضیحات به اهتمام دکتر صمد موحد

۳- کتاب شرح گلشن راز، اثر: الهی اردبیلی - مقدمه و تصحیح و تعلیقات: محمدرضا برزگر خالقی، عفت کرباسی

۴- کتاب شرح گلشن راز (مفاتیح الاعجاز) اثر: محمد لاهیجی گیلانی، پیش گفتار و ویرایش: دکتر علیقلی محمودی بختیاری

۵- وسایت واژه یاب: <https://vajebyab.com>



خانقاه خاکسار جلالی مطهری  
Khaksar Khanqah

تنظیم و ارائه: وسایت خانقاه خاکسار مطهریه

### لغتنامه:

* اکمه: کورِ مادرزاد	* عُقبا: آخرت، رستاخیز، قیامت
* گُحل: سرمه؛ داروی چشم.	* مُرَبَّق: نقره، اندوده به جیوه
* گَحال: چشم‌پزشک.	* انا الحق: من حقیقت‌ام
* «وَإِنْ مِّنْ شَيْءٍ»: هر چه هست به اندازه لازم آفریده شده است و سنجیده و حساب شده به جهان گسیل داشته شده است و گسیل می‌گردد.	* اِنَانِيَّت: منیت.

\* **ورای عقل طوری دارد انسان** که بشناسد بدان اسرار پنهان یعنی ورای عقل نظری که جهت استعمال مجهول ترتیب مقدمات و اشکال می‌نماید انسان را طوری و طریقی دیگر هست که به آن طور انسان اسراری را که از عقل پنهان و محجوبست بشناسد و به عین بصیرت ببیند، و آن طور به حکم "فمن كان يرجو لقاء ربه فليعمل عملا صالحاً و لا يشرك به عبادة ربه أحداً" طریق تصفیه و سلوک و ریاضت و مجاهده و تفریغ دل از غیر حق و کمال تبتل و دوام توجه است که راه جمیع انبیاء و اولیاء (ع) است و این طریق عشق و محبت است که جز در طینت انسانی این معنی یافت نیست و از این جهت فرمود که متن:

\* منبع تفسیر بیت فوق: شرح گلشن راز (مفاتیح الاعجاز) محمد لاهیجی گیلانی-علیقلی محمودی بختیاری